



«خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی» منتشر شد

جدیدترین اثر حسن بلخاری قهی با عنوان «خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی» از سوی انتشارات فرهنگستان هنر منتشر شد.

جدیدترین اثر حسن بلخاری قهی با عنوان «خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی» از سوی انتشارات فرهنگستان هنر منتشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، جدیدترین اثر حسن بلخاری قهی استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با عنوان «خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی» از سوی انتشارات فرهنگستان هنر منتشر شد.

در مقدمه این اثر آمده است: «امام محمد غزالی بدون تردید یکی از بزرگترین متفکران جهان اسلام است که علی رغم اشتهارش به فلسفه ستیزی و تهافت فلاسفه، در احیای راستین اندیشه های اسلامی و نیز انس عقل و دل یا شریعت و تصوف نقشی بی نظیر و بی بدیل دارد. القابی چون «امام»، «حجة الاسلام»، «مجدد» و «زین الدین» مثبت این ادعايند.

حیات پر فراز و نشیب او از یتیمی تا شنودن سخنی تأمل برانگیز از عیاری که در بازگشت از جرجان، غیرمستقیم او را به کسب معرفتی خوانده بود که به اندک رهزنی رهنان، به تاراج نرود و نیز آشنایی با خواجه نظام الملک و رسیدن به پیشوایی و امامت نظامیه بغداد تا خان ومان رها کردن و دوازده سال در هجرت انفسی و آفاقی زیستن و به بارگاه شاهان نرفتن و حسد حساد را برانگیختن و تکفیر و تحریم فلاسفه نمودن و آثاری عظیم چون احیاءالعلوم را تصنیف کردن و هفتاد اثر از خود به جای گذاشتن، همه و همه حکایت از زندگی شگفت اندیشمردی دارد که حق بزرگی بر تصفیه اندیشه و گشودن راهی جدید در تحقیق و تأویل در تمدن اسلامی دارد. گرچه برخی، او را آغاز انحطاط عقلانیت در تمدن اسلامی دانستند و آرا و آثارش را سبب تعطیل دکان عقل، تا، دیگر این سینیایی، و معلمی ثانی چون فارابی و امثال ابوالحسن عامری و ابن هیثم و ... ظاهر نشود. اما مگر در مشکوة الانوار عقل را سلطان تنامید و میزان الله فی الارض نخواند؟ و مگر هفتاد سال پس از رخ در خاک کشیدنش، حکمة الاشراق نوشته نشد و یکصد و بیست سال پس از مرگش فتوحات و فصوص به رشته تحریر نیامد و چهل سال پس از فتوحات مثنوی سروده نشد؟ و آیا

کسی هست ادعا کند که شأن و نقش شیخ اشراق و ابن عربی و مولانا در تاریخ اندیشه اسلامی نازل تر از ابن سینا و فارابی است؟ گرچه حقیقتاً نمی توان از برخی تعصبات غزالی چشم پوشید و دیده بر کلماتی این چنین فروبست: «این مسائل که [آرای فیثاغورث و ارسطو] جزو حشویات فلسفه است در رسائل اخوان الصفا آمده است. با این همه در شگفتم از کسی که همه عمر خود را در طلب دانش به رنج می اندازد و به این گونه مزخرفات قانع می شود و پیش خود می پندارد که به نهایت دانش ها دست یافته است».

این گونه سخن گفتن و رسائل اخوان الصفا را به عنوان اولین دانشنامه جهان اسلام (که در بسیاری موارد مستند به آیات و روایات است) مزخرف نامیدن، حسی ناخوشایند و به تبع حس و قضاوتی در انسان برمی انگیزد که آیا در موارد مختلف می توان به حکم این متکلم اعتماد کرد و سخنش را به عنوان سخنی مستدل پذیرفت؟

با این وجود و با اغماض از این آرا نامستدل و برخاسته از احساس (و نه اندیشه)، غزالی درست در میان دو رویکرد درخشان فلسفه و حکمت اسلامی، متأثر از دیروز خویش و بسیار مؤثر بر فردای خود، سربلند و سرافراز ایستاده است. گرچه تهافت الفلاسفه را می نویسد اما مقاصدالفلاسفه را نیز نوشته و البته در بسیاری از اندیشه های خود وامدار فلاسفه پیش از خویش بوده است؛ همچون مباحث مربوط به نفس و خیال و زیبایی که محور اصلی این پژوهش است و نگارنده به سیر تاریخی آن و تأثیرپذیری صریح غزالی از فلاسفه پیشین واقف است.

به نظر می رسد تأکید بر تأثیر شگرف و نقش بسیار مهم او در اندیشه اسلامی از یک سو و در عین حال حملات سخت و تند علیه فلسفه ستیزی مفرط او که خوشایند عقل ستیزان بود، از سوی دیگر محصول دو نظر متفاوت به آثار و احوال او باشد. برخی غزالی را از دریچه احیاءالعلوم، کیمیای سعادت و اعترافات صادقانه و زلالش در المنفذ من الضلال و برخی دیگر از آثارش نگریسته اند که الحق تأثیربرانگیز و در تاریخ اندیشه نهضت آفرین بوده است (هم چنان که قول مولانا و ملاصدرا را در آغاز این رساله آوردیم و نیز آن چنان که در تاریخ اندیشه شیعی، بزرگی چون ملا محسن فیض کاشانی

قصد نگارش المحجة البيضاء کند و با تلاش در جهت تهذیب احیا و پالایش آن، تقریب اندیشه غزالی و فکر شیعی را تعقیب کند) و برخی دیگر از منظر تهافت و حملات تند و بی پروایش به ابن سینا، اخوان الصفا و فارابی و مهمتر تأثیرات اجتماعی، مذهبی و سیاسی این آرا به ویژه در توجیه خیانت حاکمان، سکوتش در حمله صلیبیان، تجلیل از کسانی چون معاویه و جائر ندانستن لعن کسانی چون فرزندان او یزید، آن هم از سوی کسی که لقب حجت الاسلام یافته بود و امام نظامیه بغداد بود و حاکمان را به مصاحبت و همنشینی او میل و رغبت بسیار بود.

به هر حال قصد این نوشتار بررسی این مناقشه بلند تاریخی نیست (که اگر چنین باشد کل کتاب را به خود اختصاص خواهد داد) بلکه تنها تأمل بر آرای عمیق و تأثیرگذار او در احیاءالعلوم، کیمیای سعادت، مشکوةالانوار و برخی دیگر از آثار او چون مقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی درباره هنر (فن)، زیبایی، خیال و به ویژه ذوق است که همه از بنیادهای اصلی فلسفه هنر و زیبایی شناسی محسوب می شوند.

بابی مستقل و وسیع در باب موسیقی، هم در احیاءالعلوم و هم در کیمیای سعادت نگاشتن، تأملات بسیار غنی و عمیق درباره جمال و زیبایی در احیاءالعلوم ارائه نمودن، لطایفی در کارکرد قوه خیال و کارکردهای عظیم هنری آن بیان داشتن، تحلیل قدری از قوه ذوق ارائه دادن (که چند قرن بعد مشابه آن توسط ایمانوئل کانت بیان گردید) و مهمتر استناد به مثال های هنری چون نقاشی چینیان و رومیان، از جمله اختصاصات آرا و نظرات غزالی و کارکردهای فلسفه هنری آثار اوست.»

خیال و ذوق و زیبایی در آرای امام محمد غزالی اثر حسن بلخاری قهی در شمارگان ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۴۵,۵۰۰ تومان به علاقه مندان عرضه شده است.